سرآمد اقتصاد

دوشنبه- ۲ شهریور ۱۴۰۵- سال دوازدهم- شماره ۲۵۶۶

«سرآمد» بررسی می کند؛

# «قاچاق سوخت» زیست بوم معیشتی یا تهدید امنیتی!

**گروه راهبردی – مرتضی فاخری** – سوخت، این کالای استراتژیک که امروز نه تنها چرخ صنایع و حمل و نقل را می چرخاند، بلکه مرزهای انتزاعی اقتصاد و امنیت را نیز در نوردیده است، در جغرافیای جنوب شرق ایران به پدیده ای فراتر از یک کالای اقتصادی بدل شده است. آن جا که کویر به دریا می رسد و مرزهای خشکی و آبی در هم تنیده می شوند، جریان سوخت از مجرای رسمی خارج و به مسیری زیرزمینی و شبانه هدایت می شود که هر چند دستگاه های امنیتی آن را «قاچاق» می نامند، اما برای بسیاری از ساکنان روستاهای دوردست سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان، به «معیشت» و حتی «هویت» پیوند خورده است. این نوشتار در پی آن است که با نگاهی فراتر از آمارهای روزانه، به کالبد شکافی این پدیده بپردازد و از دل پیچیدگی های آن، روزنه ای به سوی راه کاری غیر خطی و کم هزینه تر بگشاید؛ راه کاری که شاید نامش «رسمی سازی تجارت سوخت» باشد، اما در بطن خود دلالت بر بازتعریف رابطه دولت، مرز و زیست محلی دارد.

برای درک ابعاد این مسئله، نخست باید از کمیت آغاز کرد. دستگاه های امنیتی و نهادهای نظارتی در ایران، حجم قاچاق روزانه سوخت را در بازه ۲۸ تا ۳۲ میلیون لیتر برآورد کرده اند که عددی است به بزرگی مصرف روزانه چندین استان کوچک و میانی کشور. آن چه این آمار را هشدارآمیزتر می کند، ساختار سازمان یافته این جریان است؛ به گونه ای که دیگر نمی توان آن را به اقدامات مقطعی و فردی چند راننده فرسوده تقلیل داد، بلکه شبکه ای منسجم از تأمین کنندگان، حمل کنندگان، واسطه ها و دریافت کنندگان در آن سوی مرزها را در بر می گیرد. از میان کل این حجم، سهم عمده ای معادل شصت تا هفتاد درصد از مبادی زمینی و عمدتاً از مرز نهصد کیلومتری ایران و پاکستان عبور داده می شود و مابقی از مسیرهای دریایی در جنوب و جنوب شرق راهی بازارهای فرامرزی می گردد. این مرز نه تنها خطی بر روی نقشه، بلکه شاهرگی زنده است که شبانه روز هزاران لیتر سوخت را از مخازن یارانه ای ایران به مخازن تشنه پاکستان منتقل می کند؛ جایی که قیمت هر لیتر به مراتب چندین برابری دارد و همین اختلاف فاحش، محرک اصلی این تجارت پنهان به شمار می رود.

اما اگر تنها اختلاف قیمت علت اصلی بود، می شد با تعدیل یارانه ها یا افزایش نظارت، ریشه های آن را خشکاند. واقعیت اما بسی پیچیده تر از یک معادله دو متغیره است. در جنوب شرق ایران، قاچاق سوخت نه یک انحراف اقتصادی، بلکه به جزئی از نظم اجتماعی بدل شده است. گزارش های میدانی حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از خانوارهای روستایی این منطقه، به ویژه در استان سیستان و بلوچستان، به نوعی در زنجیره انتقال سوخت نقش دارند؛ چه به عنوان راننده، چه به عنوان تأمین کننده مخفیگاه یا حتی سرمایه گذار خرد. در این بستر، سوخت بری به شغل دوم و گاه نخست بسیاری از مردان جوان تبدیل شده و الگوی درآمدی خانواده ها را به کلی دگرگون کرده است. درآمدی که اگر چه ناپایدار و همراه با ریسک های امنیتی است، اما در مقایسه با فرصت های اندک اشتغال رسمی در منطقه، جذابیت کم سابقه ای ندارد. این در هم تنیدگی اقتصادی و اجتماعی به گونه ای است که هر گونه اقدام قهرآمیز برای ریشه کنی قاچاق، نه با استقبال که با مقاومت نرم و گاه خشن جامعه محلی رو به رو خواهد شد، چرا که برای این جامعه، توقف سوخت بری مساوی با از دست دادن نان شب و فروپاشی معیشت روزانه است.

در کنار این عامل اجتماعی، باید به دو نیروی دیگر نیز اشاره کرد که به تشدید و تداوم این پدیده دامن می زنند. از یک سو، بازار پاکستان با نیاز مبرم و فزاینده ای که به فرآورده های نفتی دارد، همچنان مشتاقانه در مرزها را به روی سوخت ارزان ایران گشوده نگه داشته است. از سوی دیگر، حضور میلیون ها نفر در سوی دیگر مرز که به نوعی در این مبادلات ذی نفع اند، هر طرحی را برای توقف کامل قاچاق، بدون مشارکت و هماهنگی با دولت پاکستان، محکوم به شکست می کند. به این دو، عامل سوم را نیز باید افزود: ناترازی شدید تولید و مصرف سوخت در داخل ایران که خود ریشه در قیمت گذاری یارانه ای و الگوی پرمصرف دارد. در چنین فضایی، قاچاق نه یک حاشیه، بلکه به آینه ای تمام نما از کژکارکردی های ساختاری در سیاست انرژی، اقتصاد منطقه ای و حتی دستگاه قضایی تبدیل شده است. ضعف در جرم انگاری دقیق و برخورد بازدارنده، تسهیل گری برخی نهادهای دولتی و حاکمیتی در عبور سوخت از مبادی غیررسمی، و نیز تلاقی این مسئله با ملاحظات امنیتی مرزها، همگی دست به دست هم داده اند تا حل این معضل از دایره یک اقدام اجرایی صرف خارج و به یک کلاف سردرگم از منافع، تهدیدها و فرصت ها بدل شود.

با این اوصاف، پرسش بنیادین این است که با وجود این همه پیچیدگی و درگیری ذی نفعان متعدد، چگونه می توان به سمت راه حلی حرکت کرد که نه تنها هزینه های اجتماعی و امنیتی سرکوب را نداشته باشد، بلکه زمینه ای برای خروج تدریجی از این وضعیت فراهم آورد. در این نقطه است که ایده «رسمی سازی تجارت سوخت» به عنوان یک گزینه سیاستی کم و بیش کم هزینه تر از سایر بدیل ها قد علم می کند. این ایده که در اصل به دنبال مشروعیت بخشیدن به جریانی است که هم اکنون به صورت غیررسمی و با حجمی عظیم در حال وقوع است، می کوشد تا با تغییر چارچوب مسئله، قاچاق را از یک جرم اقتصادی به یک فعالیت تجاری قابل کنترل و مالیات پذیر تبدیل کند. در چنین رویکردی، به جای اینکه تمام توان دستگاه های امنیتی و قضایی صرف جلوگیری از خروج سوخت شود، مسیری قانونی و شفاف برای صادرات بخشی از سوخت با قیمت های توافقی یا نزدیک به قیمت های بین المللی گشوده می شود تا هم بخشی از تقاضای خارجی پاسخ داده شود و هم جذابیت قاچاق غیررسمی کاهش یابد.

نکته مهم آن که این ایده، بر خلاف برخی برداشت های سطحی، به معنای واگذاری کامل مرزها به جریان آزاد سوخت یا چشم پوشی از امنیت ملی نیست، بلکه یک راهبرد کنترل شده و پلکانی است که می تواند در کنار سایر اقدامات تکمیلی، به تدریج ساختار قاچاق را از درون دچار تغییر کند. برای نمونه، اگر حجم مشخصی از سوخت (مثلاً روزانه چند میلیون لیتر) به صورت رسمی از مرزهای جنوب شرق صادر شود، نه تنها درآمد ارزی برای کشور حاصل می گردد، بلکه بخشی از بازیگران زنجیره غیر رسمی به این چرخه قانونی جذب خواهند شد و به مرور، وابستگی معیشتی آنها به کانال های زیرزمینی کاهش می یابد. این تغییر تدریجی، می تواند مقدمه ای باشد برای اصلاح قیمت های داخلی و نزدیک شدن به نرخ های واقعی، بدون آن که شوک ناگهانی به معیشت خانوارهای آسیب پذیر منطقه وارد شود.

جالب آن که نشانه هایی از توجه به این رویکرد در قانون بودجه ۱۴۰۵ نیز دیده می شود. بر اساس این قانون، مجوز صادرات روزانه دو میلیون لیتر نفت گاز و یک میلیون لیتر نفت کوره برای مصارف خاص صادر شده است که هر چند با حجم کل قاچاق یعنی حدود سی میلیون لیتر در روز فاصله زیادی دارد، اما نشان از تغییر نگاه در سطح کلان سیاست گذاری دارد. این گام هر چند کوچک، می تواند به مثابه یک آزمایشگاه سیاستی عمل کند تا نقاط قوت و ضعف رسمی سازی در عمل سنجیده شود و در صورت موفقیت، زمینه ای برای تعمیم آن به سایر نقاط مرزی و حتی سایر کالاهای یارانه ای فراهم آید. با این حال، نباید از نظر دور داشت که رسمی سازی به تنهایی درمانگر همه ابعاد این مسئله نیست و باید با بسته های مکملی مانند توانمندسازی جوامع محلی، توسعه زیرساخت های حمل و نقل رسمی، ایجاد بازارهای جایگزین اشتغال و بهبود دیپلماسی انرژی با همسایگان شرقی همراه باشد تا بتواند به یک راهبرد مؤثر و پایدار تبدیل شود.

از سوی دیگر، این رویکرد با چالش های جدی نیز رو به روست که نادیده گرفتن آنها می تواند آن را به شکستی دیگر در کارنامه سیاست گذاری انرژی بدل کند. اولین و مهم ترین چالش، احتمال افزایش دامنه قاچاق در سایه رسمی سازی ناقص است؛ یعنی ممکن است بخش قانونی و بخش غیرقانونی به موازات یکدیگر گسترش یابند و به جای کاهش قاچاق، حجم کلی مبادلات افزایش پیدا کند. این امر مستلزم طراحی مکانیسم های نظارتی دقیق و هوشمند است که بتواند مرز میان تجارت رسمی و غیررسمی را شفاف کند و از نشت سوخت یارانه ای به بازارهای خارجی جلوگیری به عمل آورد. دومین چالش، مقاومت نهادهای سنتی درگیر در مبارزه با قاچاق است که ممکن است تغییر رویه را از دست دادن قدرت و بودجه خود تلقی کنند و در مقابل آن سنگ اندازی نمایند. سومین چالش، شکنندگی اعتماد جامعه محلی به دولت است؛ جامعه ای که سال ها در سایه بی توجهی ها و وعده های تحقق نیافته زیسته و اکنون باید متقاعد شود که رسمی سازی منفعتی پایدارتر از قاچاق برای او به همراه دارد، نه آن که دولت صرفاً به دنبال مهار کردن او با ابزاری جدید است. در نهایت، مسئله پاکستان به عنوان شریک ناخواسته این تجارت، اهمیت دوچندانی می یابد، زیرا بدون همکاری دولت و بخش خصوصی این کشور در شفاف سازی مبادی ورودی و قیمت گذاری متناسب، بخش بزرگی از جذابیت های رسمی سازی از بین می رود و کماکان قاچاقچیان می توانند با قیمت های پایین تر، مشتریان آن سوی مرز را از آن خود کنند.

با وجود این موانع، آن چه رسمی سازی را به گزینه ای قابل تأمل بدل می کند، توانایی بالقوه آن در تغییر گفتمان حاکم بر مسئله قاچاق است. به جای نگاه امنیتی - انتظامی محض که تا کنون جز افزایش هزینه ها و تشدید تقابل ها نتیجه ای در بر نداشته، این رویکرد می کوشد تا مسئله را در چارچوب اقتصاد، تجارت و توسعه منطقه ای باز تعریف کند و از این رهگذر، گفتمانی از همکاری به جای مقابله با جامعه محلی بسازد. در این گفتمان، مردمان مرزنشین دیگر متهمان دائمی نیستند، بلکه بازیگرانی بالقوه برای تنظیم یک بازار رسمی و شفاف به شمار می آیند که می توانند با سازماندهی مناسب، به منبعی برای تأمین ارز و کاهش ناترازی انرژی تبدیل شوند. این تغییر نگاه، اگر چه زمان بر و نیازمند بسترسازی نهادی و حقوقی است، اما شاید تنها راهی باشد که بتواند بدون ایجاد بحران های اجتماعی و امنیتی جدید، از شدت یک پدیده بکاهد که سال هاست به صورت ساختاری در جنوب شرق تداوم یافته است.

در یک نگاه کلان، مسئله قاچاق سوخت در جنوب شرق ایران، صرفاً یک انحراف در زنجیره تأمین انرژی نیست؛ این پدیده، نمایشی از تقابل دو جهان با دو منطق متفاوت از قیمت، رفاه و نظم اقتصادی است. از یک سو، نظام یارانه‌ای ایران که با هدف حمایت از مصرف کننده شکل گرفته، ناخواسته یک مزیت نسبی افسار گسیخته برای بازارهای همسایه خلق کرده و از سوی دیگر، ضعف ساختارهای نظارتی و عدم افزونی فرصت های شغلی در مناطق مرزی، به این مزیت حیاتی دوباره بخشیده است. در چنین فضایی، اصرار بر راه حل های خطی و سلبی، نه تنها گره ای از این معضل نمی گشاید، بلکه هر روز بر هزینه های سیاسی و اجتماعی آن خواهد افزود. رسمی سازی تجارت سوخت، هر چند کامل و بی نقص نیست، اما دست کم این مزیت را دارد که به جای انکار واقعیت، آن را به رسمیت می شناسد و سعی دارد با همان مؤلفه های موجود، نظمی کارآمدتر خلق کند. این رویکرد، در بهترین حالت، می تواند مسیری برای کاهش تدریجی قاچاق، ایجاد درآمد ارزی و بهبود معیشت مرزنشینان باشد و در بدترین حالت، یک آزمایش شکست خورده اما آموزنده که نشان دهد برای حل یک مسئله پیچیده و ریشه دار، به راه حل هایی فراتر از برخوردهای مقطعی نیاز است و شاید ضرورت هماهنگی میان سیاست انرژی، سیاست خارجی و سیاست های اجتماعی را بیش از پیش آشکار سازد.

با تمام این فراز و فرودها، آن چه در نهایت به چشم می آید، ضرورت خروج از دوگانگی صفر و صدی در مواجهه با قاچاق سوخت است. نه می توان با یک تصمیم قاطع، آن را یک شبه برچید و نه می توان با چشم پوشی کامل، آن را به حال خود رها کرد. رسمی سازی، به عنوان یک میان راه استراتژیک، این توان را دارد که ضمن حفظ منافع ملی در زمینه تأمین انرژی، به نیازهای معیشتی جامعه محلی نیز پاسخ دهد و در عین حال، روابط تجاری با همسایگان را بر اساس نظمی شفاف و حساب شده باز تعریف کند. تحقق این امر، اما مستلزم اراده ای جمعی و فرابخشی است که در آن، نهادهای امنیتی، قضایی، اقتصادی و دیپلماتیک هماهنگ با یکدیگر گام بردارند و از موازی کاری و تضاد منافع پرهیز کنند. همچنین نیازمند آن است که قانون گذار با نگاهی پیشرو، بسترهای حقوقی لازم را برای صادرات رسمی فراهم آورد و نظارت های هوشمندانه را به جای نظارت های سخت افزاری صرف، در دستور کار قرار دهد.

در پایان، شاید مهم ترین دستاورد یک چنین رویکردی، نه در عدد و رقم کاهش قاچاق، بلکه در تحول نگرش نسبت به مسئله مرز و توسعه باشد. مرزهای جنوب شرق ایران، با تمام چالش های امنیتی و معیشتی خود، ظرفیت های مغفول مانده ای در حوزه ترانزیت، تجارت و انرژی دارند که تا کنون در سایه نگاه امنیتی، نادیده گرفته شده اند. رسمی سازی تجارت سوخت می تواند سرآغازی بر یک بازاندیشی اساسی درباره این ظرفیت ها باشد؛ بازاندیشی که مرز را نه به مثابه یک تهدید، بلکه به عنوان پنجره ای به سوی بازارهای جدید و فرصت های اقتصادی نوین تعبیر می کند. اگر این نگاه در لایه های مختلف سیاست گذاری نهادینه شود، شاید دیگر نیازی نباشد که هر شب، هزاران لیتر سوخت در تاریکی از کویر عبور داده شود، بلکه می توان در روشنایی روز، با قراردادهایی رسمی و چشم اندازی روشن، جریان سوخت را به مسیری هدایت کرد که هم به نفع امنیت ملی و هم به سود معیشت مردمانی باشد که قرن هاست در این سرزمین بادگیر و نخلستان، زندگی را با کمترین ها رقم زده اند. ایده رسمی سازی، راهی است برای اینکه به جای مبارزه با زندگی شبانه، به آن شکل و قاعده ای ببخشیم تا از دل آن، روزی تازه برای جنوب شرق ایران طلوع کند؛ روزی که در آن، سوخت نه کالای قاچاق، که محور یک توسعه پایدار و مشارکتی باشد.

---

برق

## رونمایی از اسناد راهبردی برای تغییر ریل گذاری مدیریت شبکه برق پایتخت در آستانه هفته دولت

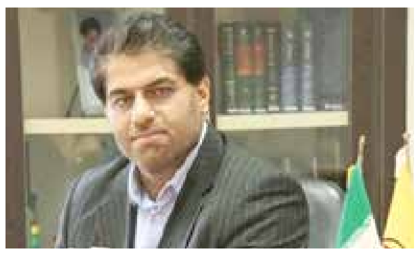

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ از تغییر ریل گذاری مدیریت شبکه پایتخت با تمرکز بر هوشمندسازی، داده‌محوری و رونمایی از اسناد کلان تحولی در آستانه هفته دولت خبر داد.

به گزارش برق نیوز، کامبیز ناظریان مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در تشریح برنامه‌های این شرکت برای هفته دولت، ضمن تبریک این ایام، از تدوین و رونمایی مجموعه اسناد راهبردی خبر داد که مسیر توسعه شبکه برق کلان‌شهر تهران را در سال‌های پیش‌رو ترسیم می‌کند. وی با اشاره به اینکه شبکه برق پایتخت به عنوان شریان حیاتی شهر، نیازمند تحولات بنیادین است، تصریح کرد: هفته دولت فرصتی برای بازخوانی تعهد خدمت‌رسانی به مردم و تبیین نقشه‌راه آینده است؛ لذا رویکرد کلان ما، عبور از مدیریت سنتی به سمت مدیریت داده‌محور و هوشمند است که با اتکا به دانش بومی و توان تخصصی کارکنان این شرکت با سرعتی مضاعف دنبال می‌شود.

ناظریان با برشمردن طرح‌های عملیاتی آماده افتتاح، اظهار داشت: هم‌زمان با هفته دولت، طرح‌های متعددی با هدف ارتقای پایداری شبکه و افزایش رضایت مشترکان به بهره‌برداری می‌رسد. به گفته وی، افتتاح مرکز آموزش‌های تخصصی و فناوری‌های نوین، راه‌اندازی نیروگاه خورشیدی، بهره‌برداری از مرکز دیسپاچینگ نوین فشار متوسط و راه‌اندازی مراکز مطالعات و مدیریت طرح‌های سرمایه‌ای، از جمله اقدامات کلیدی است که در هفته دولت محقق می‌شود. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، همچنین به اقدامات صورت گرفته در حوزه خدمات مشترکین اشاره کرد و افزود: با هدف خدمت‌رسانی سریع‌تر و شفاف‌تر به شهروندان، گروه‌های عملیاتی موتورسوار فوریت‌های برق تشکیل و فرآیندهای نصب و اصلاح انشعاب نیز به طور کامل مکانیزه شده است.

ناظریان در ادامه با تأکید بر اینکه نگاه این مجموعه فراتر از اقدامات روزمره است، گفت: اسناد راهبردی و تحولی متعددی برای سال‌های پیش‌رو تدوین شده که تضمین‌کننده تاب‌آوری زیرساخت‌های برق در برابر بحران‌ها خواهد بود. وی حوزه‌های استراتژیک شرکت، تحول پهنه‌بندی مناطق، مدیریت دارایی تجهیزات شبکه، مطالعات حفاظت الکتریکی، پایداری شبکه فشار متوسط، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و همچنین تحول ایمنی، بهداشت و محیط زیست را از محورهای اصلی این اسناد برشمرد که نقشه‌راه توسعه آینده پایتخت را ترسیم می‌کنند.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در پایان، این دستاوردها را حاصل یک تفکر منسجم سیستمی و تلاش شبانه‌روزی کارکنان این مجموعه دانست و ابراز امیدواری کرد که با اجرای این برنامه‌ها، تهران به سمت شبکه برقی هوشمندتر، پایدارتر و شکوفاتر حرکت کند.

---

**آگهی فقدان سند مالکیت**

بدینوسیله به اطلاع میرساند الهام پیرای فرزند رضا بشناسنامه شماره ۲ به استناد وکالت و ارائه استشهادیه منظم به تقاضای کتبی ، درخواست صدور اسناد مالکیت المثنی نوبت اول را بنام افراد ذیل نمود و اعلام نموده که مدارک بعلت جابجایی منزل مفقود گردیده است. ۱-برابردفترجلد ۳۹۹ -املاک ذیل صفحه ۲۵۰ به شماره ثبت ۶۷۱۱۶ میزان ۲۵۰ سهم مشاع از ۲۴۵۰۰۰۰ سهم تحت پلاک شماره ۵۵ فرعی از پلاک ۲۶۶ اصلی موسوم به کلاته شور بنام مطهره احمدیان سلجوقی فرزند علی بشماره شناسنامه (ملی) ۰۹۴۱۶۵۲۲۱۱ صادره از مشهد در مورخه ۱۳۹۴/۲/۱۵ ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۰۸۹۱۳۰ صادرگردید-۲- برابردفترجلد ۳۹۳ املاک ذیل صفحه ۲۴۱ به شماره ثبت ۶۶۳۱۴ میزان ۲۵۰ سهم مشاع از ۲۴۵۰۰۰۰ سهم تحت پلاک شماره ۵۵ فرعی از پلاک ۲۶۶ اصلی موسوم به کلاته شور بنام فاطمه جویمندی فرزند قاسم بشناسنامه کد (ملی) ۰۹۲۵۰۴۵۷۱۳ صادره از مشهد در مورخه ۱۳۹۳/۱۱/۱۱ ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۲۱۵۴۱۷ صادرگردید.۳- برابر دفتر جلد ۳۹۳ - املاک ذیل صفحه ۲۴۴ به شماره ثبت ۶۶۳۱۵ میزان ۲۵۰ سهم مشاع از ۲۴۵۰۰۰۰ سهم تحت پلاک شماره ۵۵ فرعی از پلاک ۲۶۶ اصلی موسوم به کلاته شور بنام نادر رضا امینی فرزند محمود بشناسنامه ۳۴۱ و کد ملی ۱۰۶۲۶۴۷۲۷۰ صادره از نیشابور در مورخه ۱۳۹۴/۲/۱۴ ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۰۸۹۱۲۴ صادرگردید.۴- برابردفتر جلد ۳۹۳ -املاک ذیل صفحه ۲۷۷ به شماره ثبت ۶۶۳۲۶ میزان ۲۵۰ سهم مشاع از ۲۴۵۰۰۰۰ سهم تحت پلاک شماره ۵۵ فرعی ازپلاک ۲۶۶ اصلی موسوم به کلاته شوربنام الهام نجاتی فرد فرزند محمد تقی بشناسنامه کد (ملی) ۰۹۲۵۲۲۹۲۵۳ صادره ازمشهددرمورخه ۱۳۹۳/۱۱/۸ ثبت وسندمالکیت به شماره چاپی ۲۱۵۳۸۸ صادر گردید.لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت اسناد و املاک اعلام میگردد چنانچه هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده یا مدعی وجود سندمالکیت نزدخودمیباشداز تاریخ انتشار اگهی به مدت ده روزفرصت داردتاشخصابه این اداره مراجعه و با ارائه اصل سنداعتراض خودرااعلام ویاسندمعامله تسلیم نمایدواگر ظرف مهلت مقرراعتراضی نرسد ویادرصورت اعتراض اصل سند مالکیت یاسند معامله ارائه نشود این اداره المثنی سندمالکیت راصادرخواهدنمودوبه متقاضی تسلیم خواهد شد.م الف: ۶۹۹۰

**رئیس ثبت اسنادواملاک احمدآباد**

**اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان**

یک جلد سند مالکیت شش دانگ پلاک ثبتی ۳۶۲۱/۲۷ واقع در بخش ۱ ثبت اصفهان به نام بنیاد مستضعفان اصفهان در صفحه ۹۹ دفتر ۱۰ متمم املاک ذیل ثبت ۲۴۶۴/۱۲۱۵ به شماره چاپی ۴۲۹۸۲۰ سابقه ثبت و سند داشته و سند صادرشده است که در حال حاضراداره کل اموال واملاک استان اصفهان و چهار محال وبختیاری بموجب نامه شماره ۹۴/۲/۱۵/۱۴۰۵/۸۱۸۸۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ ودرخواست صدور سند المثنی به شماره ۱۴۰۵۲۱۷۰۲۰۲۳۰۱۳۶۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ با ارائه دو برگ استشهاد شهود با رمز تصدیق ۸۵۶۶۱۲ وشماره شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۵۷۱۴۳۰۰۰۱۳۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ دفترخانه شماره ۸۱ اصفهان درخواست المثنی نموده و اعلام نموده اند سند مذکور بعلت جابجائی مفقود گردیده ، سند مالکیت المثنی دراجرای ماده ۱۲۰ أئین نامه قانون ثبت وتبصره های ذیل آن در شرف صدور است ومراتب فقدان سند در یک نوبت آگهی می شود و چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می بأشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف ده روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورت مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه کننده سند مسترد گردد، بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید، یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد. شناسه آگهی:۲۲۵۸۱۸۶

تاریخ انتشار آگهی:۱۴۰۵/۰۶/۰۲

**سید اسداله موسوی – مدیر واحد ثبتی اداره ثبت اسناد واملاک مرکزی اصفهان**
**از طرف عباس ربانی**

**آگهی نوبتی سه ماهه اول سال ۱۴۰۵**

بموجب ماده ۵۹ آئین نامه قانون ثبت املاک مشروحه ذیل واقع در بخش ۲۲ -ارومیه حوزه ثبتی پیرانشهر که در سه اول سال ۱۴۰۵ تقاضای ثبت شده جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

ششدانگ یک باب مغازه بمساحت ۹۶/۱۳ متر مربع تحت پلاک ۳۳۳۴ فرعی از ۲۶ اصلی بخش ۲۲ ارومیه خانم سکینه بهزاد فرزند علی بشماره ملی ۲۸۹۹۰۴۲۱۰۶ واقع در شهرستان پیرانشهر - خیابان امام لذا مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت ، کسانیکه نسبت به ملک فوق اعتراض داشته باشند میتوانند اعتراض خود را از تاریخ نوبت اول بمدت ۹۰ روز مستقیما به اداره ثبت پیرانشهر تسلیم و رسید دریافت دارند ضمنا چنانچه به ملک یا املاک قبل از انتشار آگهی دعوایی در دادگاه اقامه شده با شد برابر ماده ۱۷ قانون ثبت ذینفع میتواند گواهی مشعر بر دعوا از دادگاه اخذ و در مهلت مقرر به اداره ثبت پیرانشهر تحویل نماید والا حق او ساقط خواهد شد و بموجب ما آئین نامه اصلاحی قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تقدیم اعتراض داد خواست به مرجع قضایی تقدیم و اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت اداره ثبت مربوطه تحویل نماید این آگهی در دو نوبت بفاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد . لذا مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت ، کسانیکه نسبت به ملک فوق اعتراض داشته باشند میتوانند اعتراض خود را از تاریخ انتشار نوبت اول بمدت ۹۰ روز مستقیما به اداره ثبت پیرانشهر تسلیم و رسید دریافت دارند ضمنا چنانچه به ملک یا املاک مزبور قبل از انتشار آگهی دعوایی در دادگاه اقامه شده باشد برابر ما ده ۱۷ قانون ثبت ذینفع میتواند گواهی مشعر بر اقامه دعوا از دادگاه اخذ و در مهلت مقرر به اداره ثبت پیرانشهر تحویل نماید والا حق او ساقط خواهد شد و بموجب ماده ۸۶ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تقدیم اعتراض داد خواست به مرجع قضایی تقدیم و در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به اداره ثبت مربوطه تحویل نماید این آگهی در دو نوبت بفاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد .

تاریخ انتشار نوبت اول : شنبه :۱۴۰۵/۰۵/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم : دوشنبه :۱۴۰۵/۰۶/۰۲

**حبیب الهامی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر**

**آگهی تحدید حدود اختصاصی**

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب ساختمان پلاک شماره ۵۴۸۹ فرعی از ۴۰/۲۱۸ واقع درلمجیر بخش ۱۴ ثبت اصفهان که طبق پرونده ثبتی به نام اقای سید یحیی کاظمی شیخ شبانی فرزند سیدرضا در جریان ثبت است به علت عدم حضور متقاضی ثبت به عمل نیامده اینک بنا به دستور قسمت اخیر از ماده ۱۵ قانون ثبت وبر طبق تقاضای نامبرده تحدید حدود ملک مرقوم در روزسه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ ساعت ۹ در محل شروع و به عمل خواهد آمد . لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می گردد که در روز وساعت مقرر در محل حضور یابند . اعتراضات مجاورین و صاحبان املاک مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا (۳۰)روز پذیرفته خواهد شد و طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبت معترض ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره بایستی با تقدیم دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این اداره تسلیم نماید.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ - شناسه آگهی:۲۲۵۷۰۵۸

**احمد کاشف – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک غرب اصفهان**
**از طرف حمید رضا زمانی**

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابرآراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض صفیه مقصودلو به شماره ملی ۲۱۲۲۰۶۲۹۱۶ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۱۷۱۸ در ششدانگ عرصه واعیان یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۱۰۱۰۰/۸۷ مترمربع از پلاک شماره ۲۱۰-اصلی واقع در اراضی سرخنکلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان می باشد . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی ، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

شناسه آگهی : ۲۲۴۰۱۲۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

**سید عیسی میر کاظمی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان**
**ازطرف مهناز جهانفر**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۲۵۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۱ ورای اصلاحی ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۷۲۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای وحید رستمیان به شناسنامه شماره ۴۸۷ کدملی ۱۲۸۴۸۶۴۶۷۷ صادره فرزند علیرضا ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۵۰۵۴/۷۸ متر مربع مجزا شده از پلاک شماره ۳ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (به موجب سند ۵۷۵۳ مورخ ۹۲/۰۵/۰۱ دفترخانه ۲۹۷ اصفهان قسمتی از پلاک مذکور بنام متقاضی میباشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت یک ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی:۲۲۵۹۰۵۲

تاریخ انتشار آگهی:۱۴۰۵/۰۶/۰۲

**مهدی صافی وصفی – رییس ثبت اسناد و املاک**

**آگهی نوبتی سه ماهه اول سال ۱۴۰۵**

بموجب ماده ۵۹ آئین نامه قانون ثبت املاک مشروحه ذیل واقع در بخش ۱۱ -ارومیه حوزه ثبتی پیرانشهر که ماهه اول سال ۱۴۰۵ تقاضای ثبت شده جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۸۰۰۰ متر مربع تحت پلاک ۱۷۵ فرعی از ۱۷۵ اصلی بخش ۱۱ ارومیه بنام آقای سردار آبادی فرزند حسین بشماره ملی ۲۹۵۰۳۷۸۷۱۴ واقع در شهرستان پیرانشهر - روستای زینوینجیان لذا مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت ، کسانیکه نسبت به ملک فوق اعتراض داشته باشند میتوانند اعتراض خود را از تاریخ انتشار نوبت اول بمدت ۹۰ روز مستقیما به اداره ثبت پیرانشهر تسلیم و رسید دریافت دارند ضمنا چنانچه به ملک یا املاک مزبور قبل از انتشار آگهی دعوایی در دادگاه اقامه شده با شد برا بر ماده ۱۷ قانون ثبت ذینفع میتواند گواهی مشعر بر اقامه دعوا از دادگاه اخذ و در مهلت مقرر به اداره ثبت پیرانشهر تحویل نماید والا حق او ساقط خواهد شد و بموجب ماده ۸۶ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تقدیم اعتراض داد خواست به مرجع قضایی تقدیم و در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به اداره ثبت مربوطه تحویل نماید

این آگهی در دو نوبت بفاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد. شناسه آگهی: ۲۲۲۷۳۰۹

تاریخ انتشار نوبت اول : شنبه:۱۴۰۵/۰۵/۰۳- تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

**حبیب الهامی – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر**

**اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک احمد آبادهیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۲۶۲۰۰۱۰۴۸ هیات اصلاحی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک احمد آباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد علی بریانی دولت آبادی فرزند اله داد بشماره شناسنامه ۲ صادره ازدولت آباد در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۸۸/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۰ فرعی از ۲۰۹ اصلی واقع در اراضی نظر آباد شهرک نارنجستان بخش ۵ مشهد خریداری از مالک رسمی آقای صفر علی حسن زاده نظر آبادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف: ۶۸۹۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

**علی سپهری قربی –رئیس ثبت اسناد و املاک احمد آباد**

**مفقودی**

برگ سبزسواری پراید جی تی ایکس ای مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ۰۱۲۸۴۰۸۲ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۶۲۹۹۳۱ به شماره پلاک ۳۶-۳۷۶ی ۱۴ به مالکیت محمد عسکری شماره ملی ۰۷۳۰۰۵۳۱۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

**مشهد**